

جمع از اهل قرین عرض میکنند که اگر در ولایت خود انکار این ارضی نماید
 و در نیست بتوانیم توقف نموده با فرار استزاء و شتمانت و الاضلل مارا
 واجب میدانند چه سخن سلوک لمر نهائیم بیان فرمائید جواب
 الذین لا یستنجون و سبیل الله لا یخافون لوجه الله و ذلك
 فضل الله یؤتیاه من یشاء لانه اذا انقل العظیم الثقله و یفی و
 دین ابائی فمن لا ینفیه له لادین له سؤال ذکر مجرب برای قضاء حوائج
 و نیویروا و غیره حضور صلحا فضله و اولاد و اداء دین و دفع خصایات
 و عاقبت بخیر جواب پنجاه و نه مرتبه و انوض ارضی لا الله ان الله

هو الله تعالی

بصیر بالعباد

قبله محترم و ام فضلک تله و من ابان و نورته من شریف محموده
 صفی عربی بجهت خلاصی کل عرض شده بنظر شریف خواهد رسید
 که نایب القواد و ساکن للصلب باشند مختصر از کالی ان اینکه

با بی از علم و معرفت توحید خلد و تک عالم از لطف خفی خود ش
 بحقیق عنایت فرموده و از کوفت فی نفس خود اظهار این شده و این
 اعظم خطا است زیرا که تکلیف نفس خود بوده نه دیگری بعضی
 از اهل علم بنماهد این اما را از حسن ظن خود مقامی و تکلیفی
 شهید اند و یک حدیث بر فوائد مقدم دیده و بمضمون فلینا تو
 بعد یک مسئله از حسن فطرت خود تصدیق نموده شکر که نیست
 اما علوم رسوم اهل علم مطلع نبوده و بنیم بلا از لسان فطرت
 مناجات و آیاتی تنطق نموده که حق واقع مطابق سنه اول الله
 سلام الله علیهم است اشهد الله و کفی بی شهید تکلیف
 احدی نیست تصدیق بجهت اخبار فرموده و کل طلب باطل
 نوشته باشند و بر اهل تصدیق فرض است مرجوع بنفس
 نمودن تا بنشد نموده کسب که طالب هستند حاوی کل علوم

باشد دیده و بقیه نمایند جناب قبله معظم الاخوانه ملا محمد باقر
 هروی را عرض سلام ابلاغ داشته که مردم را از نزول او تصدیق
 بپروانه آورده و بنفس خود رایج نموده باشید و بر کسی حمل ^{نست}
 آمدن این بلد زیرا که من ملکی اری نیستم و حکم فناء شد از نقل
 است سواد صغیر عربی را طالب بکل بلاد برسانند که همه بر تیین
 باشند که بنده هستم بی علم و ادبی و هر کس در باره حضرت زره اعتقاد
 حکمی نماید خلفند عالم در روز قیامت از آن سوال خواهد فرمود
 خداوند عالم و اهل محبت او شاهد و بصیرند که برابر نیستم که بر احد
 فرضی باشد طاعه من و آثار که دلالت بر این مقام میکند رایج نمود
 حیرت است و حکمی از برای آنها نیست و اهل تیین را هم از این امر بیوع
 دهند باین ورقه تا همه خلاص باشند و ورقه جوف را بصا میباش
 روزی نمایند که من نیستم در ماه رمضان کتب کثیری جمع بود چهار ^{رغنا}

بجز تسلی خود نوشتن و جواب همه اشاره نمودن من جمله دعا
 با سببی که اشاره نموده بچراغید اخذ نشده بود که نوشته شده بود ولی
 مقابله نشده و چونکه جنط شکسته و با جمال استعمال نوشته میشود
 کاتب نمیتواند بخواند مثل بر تو اند بفرصت مقام در دست نیاید و الا
 فطرت بر هیچ واقع و مصلحت قواعد معتبره است و این دعا باز که توحید
 و فضل الاله است که بر اجماع ضرری ندارد ولی اگر دلیل بر حکمی
 باشد دلیل نیست و هر کس عمل نماید مجرم است بجهت اخبار و نموده
 بلکه انشاء الله استخلاص خود و کل حاصل شود

هو العلی الکبیر

ار مستور که رکن نیست موهوم تصور نشود اگر در جاتی ذکر
 مقامی یا علم الکل شیئی ذکر شده بواسطه عظمت مقام توحید بوده
 که کل مقاماً نودان خاشع و معلوم است این امر از جهت تحصیل ^{بهر}
 شده